



در مورد کمیته های همیاری محلات در کردستان

مصاحبه اکتبر با مریم افراسیابپور

صفحه ۳

موقعیت جمهوری اسلامی بعد از کرونا، چه

باید کرد

اسماعیل ویسی

صفحه ۵

چهره کریه سرمایه و بحران کرونا!

ملکه عزتی

صفحه ۸

تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با

رعایت استانداردهای سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

رحمان حسین زاده

صفحه ۱۱

۳۹ سال گذشت!

در گرامیداشت رزمنده کمونیست، رفیق عزیزم

رحیم صادقی

رحمان حسین زاده

صفحه ۱۴

در صفحات ۱۶ و ۱۷

اطلاعیه های خبری

شورش در زندانها

همه زندانیان بی درنگ

باید آزاد شوند!

چند روزی است که شورش در زندانهای جمهوری اسلامی در تعدادی از شهرهای ایران آغاز شده است. آخرین مورد آن شورش در زندان سپیداراهواز همین امروزه وقوع پیوسته است. شیوع ویروس کرونا شرایط زیستی زندانها را بسیار خطرناک و جان و سلامتی هزاران زندانی در بند را با خطر مرگ روبرو کرده است. زندانیان برای آزادی و نجات جان خود دست به شورش زده و تعداد زیادی از آنان موفق به فرار شده اند. در جریان شورش و هنگام فرار تعدادی از زندانیان توسط نیروهای گارد ویژه و امنیتی زندانها دوباره دستگیر، زخمی یا به قتل رسیده اند. با وجود درخواست و هشدار سازمانهای حقوق بشر و تلاش خانواده زندانیان و فعالین، برای آزادی زندانیان، و علاقم تبلیغات و فریبکاری نهاد های قضایی دولت جمهوری اسلامی مبنی بر وعده آزادی هزاران زندانی، اما هنوز زندانیان زیادی، بویژه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان شورش انقلابی آبانماه در زندانها به سر می برند. علاوه بر این در این شرایط بحرانی به خود اجازه می دهند که فعالین سیاسی و اجتماعی

صفحه ۲

شورش در زندانها

همه زندانیان بیدرنگ باید آزاد شوند!



زندان آزاد شوند ، نباید دوباره به زندان باز گردانده شوند .باید متناسب با اوضاع کنونی از هر ابزاری برای آزادی سایر زندانیان نیز بر جمهوری اسلامی فشار آورد.

زندانهای فراری را باید مورد حمایت قرارداد . متناسب با اوضاع کنونی و در حد امکان از دستگیری مجدد زندانیان باید جلوگیری به عمل آورد. جان این زندانیان در صورت دستگیری مجدد در خطر است و با خشم زندانبانان و حاکمین مستبد وجه بسا با حکم اعدام روبرو خواهند شد .وظیفه انسانی حکم میکند که آنها را تنها نگذاریم. فرار از مرگ در زندان و بی پناهی در بیرون از زندان کشنده است. آنها را یاری دهید.

سعید یگانه

**تشکیل شوراهای در محل کار و محلات برای
اعمال حاکمیت و اراده جمعی کارگران در
محیط کار، و مردم در محلات امری مهم و
ضروری در تحولات سیاسی پیش رو در ایران
است .**

زنده باد تشکیل شوراهای

، کارگری را به دادگاهها احضار و بازجویی و بیشرمانه حکم صادر و روانه زندان میکنند.

تصمیم به شورش و فرار دسته جمعی زندانیان، نشانه عمق شرایط خطرناک و طاق فرسا و هراس از شیوع ویروس کشنده کرونا و مرگ در شرایط کنونی زندانهاست که با وجود مواجهه با خطر مرگ و دستگیری مجدد ، به ناگزیر به این کار دست می زنند.

در شرایطی که در خارج از زندانها ویروس کرونا هزاران انسان را درو کرده است ، رها کردن زندانیان با شرایط اسفبار بهداشتی و درمانی و زندگی دسته جمعی در بندهای زندان ، فرستادن دسته جمعی آنان به کام مرگ است . ماندن در انتظار مرگ نشستن است . دنیا باید بداند که جمهوری اسلامی با این اعمال جنایتکارانه و اسیر کردن زندانیان به دلیل امنیتی و مزخرفاتی از نوع با زندگی و جان زندانیان بازی میکند و به معنای قتل عمد زندانیان است و نباید در برابر آن سکوت کرد.

از طرف دیگر شورش در زندانها بطور آشکار نشانه پائین آمدن اقتدار دولت وعدم کنترل نیروهای حفاظتی و امنیتی و ناتوانی در کنترل بر اوضاع است . شورش در زندانها برای آزادی ، مخصوص دوره های انقلابی و شورش انقلابی بر علیه دولتهاست که نمونه ان را در شورش انقلابی آبانماه در شهر شیراز و حمله به زندان این شهر شاهد بودیم.

ایران دستخوش تحولات است . بر بطن یک بحران سیاسی و اعتراضی در ایران که به جسم و جان رژیم اسلامی چنگ انداخته بود، ویروس کرونا جمهوری اسلامی را موقت در برابرین موج از نفرت مردمی واکسسه کرد . جمهوری اسلامی بعد از کرونا ، رژیمی لرزانتر و ناتوانتر و بحراندزده تر با خشم و نفرت عمومی دوباره روبرو خواهد شد . در زندانها این بار توسط مردم انقلابی و خشمگین شکسته خواهد شد و از جهنم زندانها نجات خواهند یافت.

کلیه زندانیان و همه زندانیان سیاسی بدون و قید و شرط و هیچ مواعی بی درنگ باید آزاد شوند . ویروس کرونا جان همه زندانیان را به خطر انداخته است . همه زندانیان سیاسی و عقیدتی نه تنها باید از

در مورد کمیته های همیاری محلات در کردستان

مصاحبه اکتبر با مریم افراسیابپور



همیاری با مردم نیازمند تشکیل شده است و پیشتر خانواده های نیازمند را شناسایی کرده بودند اقدام به پخش و توزیع بسته های مواد غذایی و بهداشتی و ضد عفونی در محلاتی از شهر سنندج مانند خیابان دکل، کوچه زاگرس، خیابان شیخ ره ش، محله کانی پیوله، کوچه مولوی و خیابان حیران در میان خانواده های نیازمند کردند که مورد استقبال خانواده های نیازمند این محلات قرار گرفتند. **دومین اقدامات کمیته آریز سنندج** است که در روز ۱ فروردین ۹۹ چندین اکیپ از فعالین کمیته آریز، از ساعت ۱ بامداد تا ساعت ۳:۳۰ بامداد اقدام به توزیع دستکش و ماسک در میان رفتگران شهرداری نمودند و تمامی رفتگران این شیفت که تا آن زمان بدون دستکش و ماسک مشغول به کار بودند در مراکز اصلی شهر سنندج، مجهز به ماسک و دستکش شدند. **در شهرهای مریوان و پاوه و دهگلان** نیز، گزارشاتی که از کمیته های موجود پخش شده است،

و نهادهای همیاری مردمی محلات تشکیل شده است که هدفش یاری و کمک رسانی به مردم میباشد.

کاملاً طبیعی است که در دورانهای سخت انسانها به همدیگر احتیاج دارند و حتماً لازم است که به یاری همدیگر بروند. بویژه این نوع حرکات در جامعه کردستان چون ستنی انسانی- اجتماعی سابقه داشته است و براین اساس برایم قابل پیش بینی بود، زنان و مردان انساندوست و دختران و پسران جوان و فداکار بیکار نخواهند نشست و علیرغم پیچیدگی و سختی کار در فاجعه کرونا مبتکرانه اقدامات انسانی و کمک رسانی را در سطح محلات و شهر سازمان خواهند داد.

وظیفه مهم این واحدها تامین ماسک، دستکش، مواد ضد عفونی و دیگر وسایل ضروری حفاظتی برای خانواده ها، به ویژه خانواده های محروم و سالمندان است. برای تهیه این امکانات، ابتکارات مختلف را بکار گرفته اند. در همین راستا و مشخصاً در شهر سنندج چندین نهاد همیاری در محلات و شهر سازمان داده شده است.

کمیته های ، " محله پرد بن - پل بند و آریز " در شهر سنندج است که اقدامات زیر را در دستور فرار داده و اقدام کرده اند. بطور نمونه به کارهایی که انجام داده اند، اشاره می کنم. در ساعتهای اولی " صبح ۲۷ اسفند واحدهای کمیته پرد بند سنندج ک از جوانان زن و مرد جهت مقابله با ویروس کرونا و

مییم افراسیابپور - مردم باید باور کنند که خطر جدیست. با کمیته های همیاری محلات، همکاری و آنرا گسترش دهید! اکتبر: کرونا ویروس چون بلائی فاجعه آمیز به جان جامعه جهانی و از جمله ایران، افتاده است. برای تقابل با آن، در کردستان کمیته های همیاری در محلات تشکیل شده است. استقبال جامعه از این حرکت چگونه بوده است، توقع برای ادامه کاری این نهادها چیست و چکار باید بکنند؟

مریم افراسیابپور: دقیقاً، این ویروس چون بلائی فاجعه آمیز بجان بشریت افتاده است. در ایران تاکنون دهها هزار نفر را مبتلا و هزاران نفر قربانی لاقیدی و بر خوردگیر مسئولانه رژیم اسلامی نسبت به این وضعیت تحمیلی شده است. اعمال و برخورد رژیم اسلامی نسبت به بحران کرونا، توسل به " تئوری توطئه و اشاعه خرافات " نه تنها ناتوانی و ناکارا بودنش را نشان داده است بلکه، نحوه برخوردش بنوعی بعنوان عامل و اشاعه دهنده این ویروس در کل ایران را بر اذهان حک کرده، است.

برای تقابل با این وضعیت کرونا ویروس، از طرف انسانهای آزادیخواه و پیشرو تاکنون در سطح محلات و شهرهای کردستان از جمله: **کامیاران، پاوه، سقز، اشنویه، دهگلان، مریوان و سنندج** کمیته های همبستگی

در مورد کمیته های همیاری محلات در کردستان

مصاحبه اکتبر با مریم افراسیابپور

کرد و در موقعیتی قرار داد که به چنین صندوقی کمک کنند. امکانات مالی جمع شده را برای مقابله با اثرات نگران کننده ویروس کرونا و دیگر نیازمندیها، در مرحله هزینه کرد.

۶- معیشت خانوادگی بی بضاعت را تامین کنید.

۷- به طور ویژه به سالمندان باید کمک برسانید.

۸- برای ایجاد و گسترش چنین نهادهای همیاری انسانی نباید از هیچگونه تلاشی دریغ شود.

در این شرایط قدر ذره ذره فعالیت نهادهای همیاری و کمک رسانی به مردم را باید دانست و به دست اندرکاران و فعالین آن باید درود فرستاد.

مریم افراسیابپور

فروردین ۱۳۹۹

زن در زندگی و مرگ

جنایت از سر جنون، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است!

منصور حکمت

حفظ سلامتی و تامین و تضمین ادامه کاری لازم است در دستور کار نهادهای همیاری محله و شهر قرار بگیرد.

۱- واحدهای همیاری حداکثر سه نفره از فعالین و جوانان داوطلب و دارای جسم سالم را تحت عنوان مناسب (کمیته، واحد، تیم و ...) لازمست سازمان داد.

۲- وسایل و امکانات ضروری حفظ سلامت نهاد خود را تامین کنید. مثل ماسک بهداشتی و استاندارد و دستکش و مواد ضد عفونی و در صورت امکان لباس مناسب مقابله با ویروس کرونا را باید تامین کرد. این نهادها خود باید الگوی مناسب حفظ سلامت و اشاعه آن در جامعه را از خود نشان دهند.

۳- مداوماً به مردم یاد آوری کنند در خانه ها بمانند.

۴- لازم است مردم به رهنمود و درخواستهای کمیته ها گوش کنند و با عملی کردن بدانها، آنها را یاری دهند و بدین شیوه قدر دانی خود را نشان بدهند.

۵- صندوق کمک مالی را در مرحله میشود سازمان داد: تشکیل صندوق کمک مالی در محله از جمله اقدامات قابل فکر و اجرایی کردن است. اما موضوعی حساس و زیر نظر کسان و یا واحدهای تماماً مطمئن و مورد اعتماد مردم لازمست تشکیل شود. خیلی ها در محله برایشان ممکن است و میتوانند به چنین صندوقی کمک کنند. در این مورد میشود به افراد صاحب امکان مالی و سرمایه دار در محله و شهر مراجعه کرد و آنها را قانع

فعالیتها را مشابه را انجام داده اند. که بطور واقعی مورد استقبال مردم قرار گرفته اند.

در اینجا جا دارد از زحمات با ارزش و دلسوزانه این عزیزان برای ایجا کمیته های همیاری صمیمانه تشکر و قدردانی کنم و بگویم اقدامات انساندوستانه شما جای ارزش و قدردانی است و بطور حتم جامعه چنین اقدامات انسان دوستانه و همیاری و همبستگی اجتماعی را فراموش نمیکند و نتیجه اش دامن زدن به سنت عمیق انسانی است!

نکته ای که لازم است تاکید کنم که بتواند ادامه کاری این نهادها و کمیته ها را تامین و تضمین کند این است که متأسفانه در جریان این فعالیتها یک مساله نگران کننده، سلامتی و ادامه کاری بخشی از این نهادها و کمیته ها و انجمنهای همیاری انسانی را به طور جدی تهدید میکند. آن هم رعایت نکردن استانداردهای ابتدایی حفظ سلامت فردی و جمعی خود فعالین است که مشاهده کرده ام.

و قطعاً عوارض منفی و مضرى جدا از بخطر افتادن جان خود فعالین، گسترش و خطر واگیری این ویروس و سرایتش از این طریق به جامعه و انسانهایی است که قصد کمک به آنها را دارند. این دیگر تناقضی در خود است. برای رفع این تناقض دلسوزانه به این نهادها و فعالین آن باید یادآور شد که در جریان این فعالیتها به استانداردهای اولیه حفظ سلامت خود و نهادتان از جمله موارد زیر دقت کنید. اینها استانداردها و اقداماتی است که در

موقعیت جمهوری اسلامی بعد از کرونا، چه باید کرد

اسماعیل ویسی



سیاسی و اجتماعی، قرار میگیرد. هیچ راه گریزی بجز سرنگون شدنش در برابر جامع، وجود ندارد. پایه های ایدئولوژیکی اش ویران. سیستم و زیر بنای اقتصادی - تولیدی و سیاسی - اجتماعی اش که از قبل در حال فرو ریختن بود، در بنیان فروپاشیده تر میشود. مبانی عینی سیاسی - اجتماعی اعتراضات توده ای آبانماه چون آتش زیر خاکستر، همچنان در حال غلیان است و بطور حتم بعد از سر گذراندن شوک وارد شده در اثر این پدیده شوم و انسان کش، چون آتشفشان فوران خواهد کرد. حکومت اسلامی ناتوانتر از گذشته با این حرکت سیل آسای خانمان برانداز توده ای روبرو خواهد شد. زیرا توان و امکان جوابگوئی هیچگونه خواستی را ندارد. و ... گسیل نیروهای نظامی به خیابانها تحت عنوان مبارزه با ویروس کرونا، گامی است آگاهانه و سازمانیافته، برای جلوگیری از آن، در تداوم حفظ بقاء اش، که رژیم اسلامی خود و جامعه نیز، بر این امر واقف اند. دارند صف آرائی میکنند!

چکار باید کرد؟

گام اساسی این است که، مردم

و بنوعی بی ارزش تر کرده است. بتوان بموقع استفاده نمود و این ویروس ضد انسانی را با بزیر کشیدن حکومت اسلامی به زباله دانی تاریخ ریخت!

قطعا، بعد طی کردن این دوره و کنترل این پدیده شوم، تمامی جهان و از جمله مردم ایران که با نهایت غیر مسئولانه برخورد کردن حکومت اسلامی را دیدند، بعد از مدتی از زیر بار شوک ناشی از لحاظ روانی و روحی این وضعیت، بیرون میاید. در نتیجه آرایش جهانی از لحاظ اقتصادی - سیاسی و اجتماعی و مراودات و مناسبات دولتها رشد " ناسیونالیسم و محلی گری " و تحمیل شرایط هر چه بدتر زندگی زیستی و معیشتی را دولتها برای جبران سود های از دست رفته سرمایه داران، بر اکثریت مردم جهان تحمیل می کنند. اخراج و بیکاری سازی وسیعی به کارگران و زحمتکشان تحمیل میشود، فاصله طبقاتی به نسبت قبل از شیوع کرونا بیشتر و عرصه های اصلی نبرد و تضاد طبقاتی عیان تر خواهد شد.

سیر روند جاری بنفع حکومت اسلامی نیست!

همچنانکه در پرتو تلاشهای جهانی اشاره کرده ام، سیر روند بنفع تداوم موجودیت و بقاء حکومت اسلامی نیست. دیر یا زود کرونا ویروس کنترل خواهد شد. اعمال غیر مسئولانه حکومت اسلامی بر حافظه جامعه معترض ایران حک شده است. حکومت اسلامی در موقعیت بدتری از لحاظ اقتصادی -

متأسفانه معضل کرونا در جامعه جهانی و ایران نیز، در حال رشد و گسترش می باشد و دارد سیر صعودی را طی میکند. تاکنون بیشتر از ۷۰۰ هزار نفر بدان مبتلا شده و دهها هزار نفر قربانی شده اند و متأسفانه هر لحظه سیر صعودی دارد.

اوضاع و احوال ویژه ای را بر تمامی جهان تحمیل کرده است. میتوان تاکید کرد که بنوعی آشفتگی را از هر لحاظ بر آرایش سیاسی - جهانی - تولیدی، زیستی و معیشتی و مراودات اجتماعی را تحمیل کرده است. مراکز علمی پزشکی و تحقیقی در اقصی نقاط جهان برای دستیابی به " واکسن و درمان " این اپیدمی کشنده، وسیع در تلاشند و حتمن دیر یا زود به آن دست خواهند یافت. عملن علم بردین و مذهب و خرافه مذهبی پیروز خواهد شد جامعه بشریت را از شر این بلای شوم طبیعی نجات خواهند داد. همچنانکه در سالهای ۱۳۴۶ - ۱۳۵۲ شیوع طاعون سیاه باعث تسریع در نشان دادن پایه های پوچ و اساسی مسیحت و کلیسا و رخ دادن رنسانس در اروپا گردید. سکولاریسم و مدرنیسم را بمیدان راند. جدائی مذهب از دولت را متحقق نمود.

سیر این روند تاکنون بر این است که، پایه های اساسی نظام تولیدی اجتماعی سرمایه داری و کل ایدئولوژی تمامی مذاهب و ادیان موجود از جمله دین اسلام در ایران و منطقه را " چه در حاکمیت و چه در بعد سنت خرافی اجتماعی " در اساس به چالش کشیده

موقعیت جمهوری اسلامی بعد از کرونا، چه باید کرد

اسماعیل ویسی

باید باور کنند خطر کرونا ویروس جدیست. لازم است در حفظ سلامتی خود و جامعه تلاش کنند. از تجمعات غیر ضروری دوری کنند. کمیته های همیاری و همبستگی محلات را نه تنها، برای بشکست کشانیدن این اپیدیمی یاری بدهند، بلکه در گسترش بخشیدن بدان تلاش کنند. تا بتوان حکومت اسلامی را در حال حاضر، موظف به تامین امکانات بهداشتی-زیستی و معیشتی مردم نمود. بدین شیوه، سنت و همبستگی انسانی-اجتماعی و مبارزاتی را که شکل گرفته است، تداومش را تضمین و پایه های اجتماعی اش را مستحکم کنند.

اشاره کرده ام که، متأسفانه شیوع و گسترش و سیر رو به صعود کرونا ویروس، چون بلائی خانمانسوز عملن بجان جامعه بشری افتاده است. هر لحظه انسانهای بیشماری قربانی میشوند. بواقع همه مسائل را تحت شعاع قرار داده است. در ایران و کردستان نیز حکومت اسلامی نهایت غیر مسئولانه بودنش را در حفظ سلامتی جامعه، بنمایش گذاشته و حفظ بقائش را در اولویت قرارداده، است. مطمئنند که، سیر روند بنفع شان نیست. دیر یا زود کرونا ویروس کنترل خواهد شد. بر جامعه و جنبشهای چپ و راست نیز، محرز است. کل دنیا و از جمله حکومت اسلامی در موقعیت بدتری از لحاظ اقتصادی-سیاسی و اجتماعی، قرار میگیرد. **جذب** **کمونیستی و چپ، نباید غافل** باشد. لازم

هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ. عمل شود و... در این راستا لازم است هوشیارانه، نکات زیر را در دستور کار قرار داد و برایش تلاش کرد:

- سرنگونی حکومت اسلامی یک امر مهم و اولویت مبارزاتی است. در این راستا نباید از هیچگونه تلاش سازمانیافته و هدفمند، دریغ نمود. نفرت بی حد و مرز از رژیم اسلامی وجود دارد. اما، این نفرت نباید صرفاً به سرنگونی حکومت اسلامی ترجمان شود. گام اساسی بعدی و سیستم حکومتی جایگزین را نباید فراموش کرد. از هم اکنون باید با برنامه، هدفمند، سازمانیافته و با دورنمای روشن حرکت کرد. جامعه را مطلع و به انتخاب واقعی که منافعشان تامین شود، واقف نمود.

- لازم است در محلات آماده بود، سازماندهی کرد و متشکل شد. کنترل و فضای محلات را در دست گرفت و فضای آزادیخواهی را دامن زد. از ابراز وجود و هرگونه مزاحمت ارتجاع قومی- مذهبی و اعوان و انصارشان بویژه، مزدوران و اوباش اسلامی جلوگیری کرد.

- شبکه وسیعی متشکل از گروههای پیشرو و آزادیخواه در سطح شهرهای کردستان، را تشکیل داده و به تبادل اطلاعات و همفکری و همگامی عملی پرداخت و تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ. بتوانند بموقع وارد عمل شوند.

- در برابر هر گونه جریان ارتجاعی بویژه

است از دریچه و تداوم اعتراضات توده ای اجتماعی آبانماه سازماندهی و همبستگی اجتماعی را در هیئت کمیته های همیاری و همبستگی موجود در محلات را در دستور بگذارد، چون شبکه ای بهم بافته شده اجتماعی آنرا سازمان بدهد. نه تنها در پروسه روند سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی بلکه سر بزنگاه تعیین کننده، و در تقابل و شرایط در بعد از سرنگونی، در تقابل با جنبش راست و برای تامین و تضمین منافع اکثریت مردم زحمتکش جامعه، چون پیگیری واحد، بتواند بمیدان آید.

راه کار عملی زیر میتواند چون مبنائی برای جلوگیری از غافلگیر شدن را در دستور قرار داد و در آن جهت عمل کرد:

- **جنبش کمونیستی و چپ - قطب چپ** وظیفه ای بسیار خطیر دارد. باید جدا از بهم بافتن کمیته های همیاری کنونی و بر این زمینه ایجاد تشکیل شوراهای کارگری و مردمی را برای کنترل محل های کاری و زندگی، فراهم کند. باید با آمادگی کامل در بزنگاه سیاسی تعیین کننده تحت هدایت قطب کمونیستی و چپ، بموقع و بدون فوت وقت اعمال اراده مردم را از طریق مکانیزم شوراها برای اداره جامعه، مادیت بخشید. نباید اجازه داد دستاوردهای مردم زحمتکش به یغما برود. نباید اجازه داد ارتجاع بشیوه دیگر اینبار در قبای قومی- و بویژه در کردستان درقبای کردایتی خود را تحمیل کند. تحت

موقعیت جمهوری اسلامی بعد از کرونا، چه باید کرد

اسماعیل ویسی

مزدوران کهنه و تازه رژیم واکنش نشان داده و با آگاهگری و بسیج فضای آزادیخواهی علیه تحرکات ارتجاعی، محیط را بر آنها تنگ کرده و از محله و شهر طرد کنند.

• در هر مرکز و رشته کاری در محلات و شهرها باید زمینه ایجاد شوراهای کارگری و مردمی را ایجاد کرد و از این طریق اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم را در مبارزات جاری و در فردای تحولات در جامعه کردستان تضمین کرد.

• در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تقابل با جنبش ناسیونالیسم کرد و زد و بند از بالا و بازی با سرنوشت مردم در کردستان بعد از حکومت اسلامی، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان ضرورتی مبرم است. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل حول " پلاتفرمی مشخص یابرنامه حاکمیت مردم در کردستان " تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ، برای مادیت بخشیدن به حاکمیت مردم بر اساس شوراهای مردمی، اقدام کنند.

اسماعیل ویسی email.waisi@gmail.com

10 فروردین ۱۳۹۹ - ۲۹ مارس ۲۰۲۰

حق سلامتی

* حق سلامتی. حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه .

* طب و خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب، و در دسترس برای همه.

* معاینه منظم و واکسیناسیون کامل کودکان. تضمین برخورداری همه کودکان از یک رژیم غذایی کافی و مناسب مستقل از سطح درآمد خانواده، منطقه و محل اقامت و غیره.

* ریشه کن کردن بیماری های اپیدمیک و عفونی ناشی از عدم سلامت محیط زیست، معاینه منظم همه شهروندان در برابر بیماری های قلبی، سرطان های رایج و بیماری هایی که تشخیص به موقع آنها در درمان و تخفیف عوارض آنها حیاتی است.

* گسترش و بهبود جدی سطح بهداشت عمومی، اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه.

* گسترش و سازماندهی امکانات پزشکی و درمانی به نحوی که دسترسی فوری به طبیب و دارو و درمان برای کلیه ساکنین

کشور آسان باشد.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

چهره کریه سرمایه و بحران کرونا!

ملکه عزتی



دیدگاه‌های نهفته در این سیستم را روزانه روشن تر و آشکارتر از هر زمان به نمایش میگذارد. آنهایی که زمانی با زبان بخشاکن از قوانین و مناسبات غیر انسانی سرمایه حرف میزدند و دفاع خجولانه میکردند، امروز درقابل دستورالعمل اداره خدمات اجتماعی در کشور سوئد و لیست کسانی که در بخش مراقبت‌های ویژه بستری میشوند یا حق دارند بستری شوند بوضوح حرفشان را میزنند و این تنها گوشه کوچکی از کارکرد این سیستم سرپایا جنایت و توحش در جای جای دنیا است!

در مقابل تصمیم خاتمه دادن به حیات انسانها و قطع اکسیژن و درمان از سالمندان، اختصاص بودجه های میلیاردی به بورژوازی و بنگاههای مالی سرمایه برای حفظ سیستم بانکی و جهت سرپا نگه داشتن کارتل‌های سرمایه و جلوگیری از ورشکستگی آنها را شاهد هستیم. بودجه های میلیاردی و سرسام آور تصویب میشود و با

صفحه ۹

میدهد، میتواند تعیین کند در میان آمار کشته شدگان بعلت ویروس کرونا ثبت شوی یا ماسک اکسیژن را تا چه زمانی در اختیار داشته باشی. اگر برای تولید و بازتولید سرمایه خاصیتی نداری رفتنت هم خلایی ایجاد خواهد کرد! خانواده ات، بازماندگان و کسانی که نبودت آنها را متاثر میکند بروند فکری به حال خودشان و تولد در طبقه فاقد پول و امکانات را بکنند! در این سیستم نابرابر در کنارصدها نفری که روزانه جان میدهند و حقوق بشر و ادارات عریض و طویل سرمایه ککشان هم نمیگذرد، انتقال اعضای مفت خور و انگل خانواده های سلطنتی در سوئد، انگلستان، نروژ و... به مکانهای امن در دستور روز سیاستمداران حافظ سرمایه و سیستم انگل وار آن قرارمیگیرد!!! علیرغم ژست انساندوستی و ماسک حمایت از کل جامعه اما در زمین سفت عملکرد در دنیای واقعی رویارویی با فجایع انسانی معلوم میشود هدف همه اقشار اجتماعی خارج از جایگاه و پایگاه طبقاتی نیستند!

زمانیکه زندگی صاحبان قدرت و ثروت بیشتر از بقیه مردم اهمیت دارد و بیشترین امکانات جهت حفظ سلامتی و مداوا در اختیار آنان قرار گرفته است صحبت از برخورداری از خدمات درمانی برای همه آحاد جامعه دروغ و فریبی بیش نیست.

ساختار سیاسی این سیستم در بحران کرونا ارتجاعی ترین و رسواترین

نابرابری کامل حقوقی واجتماعی و خرد شدن روزانه انسان این قرن در زیر چرخ استثمار سرمایه نه تنها تعجب آوروغیرمنتظره نیست که بسیارهم قابل پیش بینی ست. اما فریبکاری و تلاش پرهزینه تبلیغی روزمره بنگاه های تبلیغی جهت تحمیل افکار عمومی و آوازه مطلوب بودن نظم موجود دم و دستگاه فاسد دمکراسی و دروغ بزرگ حقوق بشر با بزرگ چهره کریه این نظام نابرابرگاهها ممکن است برای تعدادی باعث شبهه شود. کرونا و شیوع این ویروس، چهره عریان وزشت این سیستم و عملکرد بشدت غیرانسانی آن را کاملا وازبنیاد عیان ساخت که پزشکی، بهداشت، سلامت، حتی تصمیم درمورد زنده ماندن یا نماندن انسانها براساس موقعیت اجتماعی آنها در چرخه تولید تعیین میشود. معلوم شد سالمندان، البته سالمندان یک طبقه مشخص لازم نیست خدمات بهداشتی و درمانی جهت زنده ماندن و غلبه بر ویروس کرونا را در اختیار داشته باشند. لازم نیست اکسیژن بطور مساوی تقسیم شود، لازم نیست اگر سرمایه و گردش پول در اختیار نداری، برای زنده بودنت تلاش خاصی انجام بشود. از منظر قانون بازار و حاکمیت سرمایه تصمیم گیری برای دامه حیات کسانی که به کرونا مبتلا شده اند به فاکتورهای پیچیده ای نیاز نیست، دولت به تو پول بازنشستگی یا از کارافتادگی

چهره کریه سرمایه و بحران کرونا!

ملکه عزتی

غرور "ملی" در بوق و کرنا میکنند که پکیج کمکی برای جلوگیری از بسته شدن محل کار و بیکاری کارکنان این بخشها!!! اختصاص داده شده است.

حفظ سرمایه سرمایه داران به حساب صندوق و خزانه عمومی که بنا به تعریف باید متعلق به تامین زندگی همه انسانها باشد!! از این میلیاردها،

اگر افسیلونی هم به انسانهای محروم جامعه تعلق بگیرد جهت جلوگیری از قیام و شورش گرسنگان و حفظ نظم موجود است! تلاش برای جلوگیری از تخریب زیربنا و ساختارهای اقتصادی سرمایه داری در جامعه بعد از کنترل ویروس کرونا یکی از عوامل اصلی اختصاص این بسته های کمکی است، نمیخواهند کنترل از دست بورژوازی خارج شود. بحران کرونا هر روز گوشه ایی از چهره کریه و به شدت ضد بشری سرمایه داری را نشان میدهد.

ایران در بین کشورهای دیگر جهان که با بحران کرونا درگیر هستند بعنوان ضعیف ترین حلقه سرمایه در سطح جهان با بدترین موقعیت اقتصادی و ورشکستگی مالی در حادثترین شرایط ممکن قرار دارد. طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه در بدترین و ضربه پذیرترین شرایط قرار دارند. حاکمان دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی ابتدا کرونا را علنی نکردند، بعد که مجبور به علنی کردن شدند، با توسل به

عقبمانده ترین خرافات مذهبی قصد مبارزه با کرونا را داشتند. از هر دری که میشد وارد شدند تا عدم توانایی خود را در مقابله با این پاندمی پنهان کنند. این روزها که این ویروس مرگبار جامعه را در شرایط فاجعه باری قرار داده است دستپاچگی، بی برنامهگی، عدم وجود یک سیستم همه جانبه و دربرگیرنده عمومی درمانی که حتی مبتلایان را تحت پوشش قرار دهد، جامعه را با شرایطی روبرو ساخته که روند از هم گسیختگی کل ساختارهای جامعه را بوضوح میشود دید. احتکار ماسک و مواد ضد عفونی کننده، فشار اقتصادی بر ضعیف ترین اقشار اجتماعی، کمبود دارو و کالاهای مورد نیاز جامعه تنها بخش کوچکی از مشاهدات اولیه است. در بطن و عمق جامعه چه میگذرد قطعاً دهها برابر فجیعتر از رونمای قابل رویت ماست. شورش زندانیان در تعدادی از شهرهای ایران تنها یک بخش از این تحولات جدی و مهم در بطن جامعه است.

در بحبوحه روند فاحش اجحافات و نابرابری در برخورداری از امکانات درمانی، مسولین درمان و بهداشت در بیشتر کشورها قرنطینه را بعنوان یکی از عوامل پیشگیری از شیوع ویروس پیشنهاد میکنند. همزمان حاکمان لم داده بر صندلی قدرت در این سیستم هم ظاهراً با این نکته توافق دارند و خطاب به مردم

میگویند بیرون نیاید در خانه ها بمانید، قانون قرنطینه را رعایت کنید! در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هم این روند کم کم به اجرا در آمده، اما دولت و نمایندگان مضمحل شده سرمایه در ایران به اینکه این قرنطینه برای مردمی که محتاج نان شب هستند چه بهایی خواهد داشت پاسخی ندارند. پشت بند جمله در خانه بمانید جمله تکمیلی دیگری غایب است! دولت برای تامین زندگی در زمان قرنطینه چه کار خواهد کرد؟ تامین مایحتاج مردم چه خواهد شد؟ نان سفره اقشار ضعیف و کم درآمد را زمانیکه گرانی پشت طبقه کارگر و کارکن جامعه را خم کرده چه کسی تامین میکند؟ وظیفه دولت چیست؟؟

کارگران روزمزد چگونه نان سفره شان تامین میشود؟ بیکاران چه؟ خانواده هایی که فقط یک سرپرست دارد چه خواهند کرد؟ این سوالها در ایران مبتلا به ویروس جمهوری اسلامی را چه کسی پاسخگو خواهد بود؟! مسولیت مردم را چه کسانی بهعهده خواهند گرفت؟ جمهوری اسلامی پاسخی برای این قبیل سوالات ندارد!

میگویند عملکرد و کارکرد سرمایه در همه دنیا مشابه است! از جمله حفظ نظم حاکم، حفاظت از صاحبان سرمایه توسط دستگاه سرکوب پلیس و ارتش و تلاش برای در هم شکستن هر اعتراض و نافرمانی که باعث اختلال

چهره کریمه سرمایه و بحران کرونا!

ملکه عزتی

در نظم سرمایه شود. در آبان و آذر ۹۸ جمهوری اسلامی نشان داد که این کارکرد را به خوبی یاد گرفته و اجرا میکند. وظیفه دولت و ارگانهای سرکوب روشن و واضح بود، سرکوب مردم معترض. همه به روشنی میدانستند وظایف چیست و چه کسانی باید وارد عمل شوند! سرکوب رمز اشتراک این دولت با بقیه دولتهای سرمایه داری است. در جمهوری اسلامی مانند هر قاعده دیگری عملکرد سرمایه استثنایی دارد. اما در این سیستم جنایتکار و آدمکش هیچ قاعده ایی به اندازه قاعده سرکوب دربرگیرنده و همه جانبه نیست. قواعد دیگر تنها خاصیت ثبت در دفاتر بایگانی و جهت پز تبلیغاتی هستند.

دولت روحانی به مردم و خانواده ای ۴ نفره وعده ماهانه ۶۰۰۰۰۰ تومان هزینه زندگی داده. اما گویا این وعده همانند همه وعده های دیگر نه تنها ضمانت اجرایی ندارد که هیچ پشتوانه پرداختی هم ندارد. هیچکس هنوز این پول و بسته کمکی را رویت نکرده! ۲ ماه از شیوع این ویروس میگذرد و مردم هنوز در انتظار بسته کمکی هستند. اختصاص مواد ضد عفونی و امکانات پیشگیری برای کادر درمانی هم بخشا با هزینه شخصی ممکن شده تا چه رسد به مردم کوچه و خیابان. مردم در کنار هزاران مصایب دیگر با ویروس کرونا و مرگ ناشی از آن هم روزانه دست و پنجه نرم میکنند. جان زندانیان، جان کودکان کار، جان کارگرانی که اجازه تعطیل کار را ندارند در خطر است، خطر مرگ!

امروز و در لمس واقعی فاجعه، نه در ایران اسلام زده و درگیر با کرونا، بلکه در پیشرفته ترین کشورهای اروپایی هم نیاز به یک تغییر بنیادی در جامعه بیشتر از هر زمانی به چشم میخورد. تغییر زیر بنایی که بشود این دنیا را یکبار و برای همیشه از قاعده بر زمین گذاشت و صاحبان ثروت و سرمایه را از اریکه قدرت به زیر کشید و به سیستم سرکوب و کشتار و استثمار انسان برای همیشه افسار زد. امروز سایه و شبح کمونیزم باید واضح تر و روشن تر و قابل دسترس تر از هر زمان نه در پرواز که به شکل انتخاب و الترناتیو واقعی در مقابل جامعه قرار بگیرد و برای همیشه به نابرابری و تبعیض و بهره کشی از انسانها خاتمه داده شود. دنیای بعد از کرونا قطعاً نمیتواند وضعیت موجود امروز را بپذیرد. سوسیالیزم پاسخ به نظم موجود و مصایب ناشی از آن است.

ملکه عزتی

۱۱ فروردین ۱۳۹۹

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"



نه به حکومت ضد زن!



تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با رعایت استانداردهای سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

رحمان حسین زاده

سه نفر نباید تجمع کرد. بلکه با اتکا به شبکه مدیای اجتماعی موجود، تلفن و اینستاگرام و تلگرام و غیره میشود، همفکری و تبادل نظر و تصمیم گیری مشترک کرد. واحدهای همیاری حداکثر سه نفره از فعالین و جوانان داوطلب و دارای جسم سالم را تحت عنوان مناسب (کمیته، واحد، تیم و ...) لازمست سازمان داد.

۲- وسایل و امکانات ضروری حفظ سلامت نهاد خود را تامین کنید! برای تضمین سلامت جسمی همین تیم یا واحدها، و در جهت ادامه کاریشان وسایل اولیه و ضروری مثل ماسک بهداشتی و استاندارد و دستکش و مواد ضد عفونی و در صورت امکان لباس مناسب مقابله با ویروس کرونا را باید تامین کرد. این نهادها خود باید الگوی مناسب حفظ سلامت در جامعه را از خود نشان دهند.

۳- شبکه اجتماعی، نئی اطلاع رسانی و دسترسی به واحدهای همیاری را سازمان دهید! برای اطلاع رسانی و حتی کمک رسانی، ارتباط فیزیکی با مردم و میان مردم را باید به حداقل رساند. نهاد همیاری ایجاد شده را با اسم و رسم واقعی مورد اعتماد و آشنای مردم محله و شهر، از طریق تلفن و شبکه های اجتماعی و

فعالین آن باید درود فرستاد. اما در جریان این فعالیتها یک مساله نگران کننده، سلامتی و ادامه کاری بخشی از این نهادها و کمیته ها و انجمنهای همیاری انسانی را به طور جدی تهدید میکند. آن هم رعایت نکردن استانداردهای ابتدایی حفظ سلامت فردی و جمعی فعالین این نهادها و طبعاً از این طریق سرایت دادن خطر واگیری ویروس کرونا به جامعه و انسانهایی است که قصد کمک به آنها را دارند. این دیگر تناقض در خود است. برای رفع این تناقض دلسوزانه به این نهادها و فعالین آن باید یادآور شد، انجام وظایف انسانی مهم و فوری یاری رسانی به مردم، اکیدا لازمست با رعایت استانداردهای اولیه حفظ سلامت خود و نهاد های کمک رسان توأم گردد. هر نهاد همیاری و کمک رسانی لازمست به طور جدی رهنمودهای ارائه شده توسط سازمان پزشکی جهانی و موسسات پزشکی معتبر و پزشکان مسئول و دلسوز در ایران را رعایت کنند. اینجا بار دیگر برچند محور اساسی استانداردهای حفظ سلامتی و توأم اقدامات فوری کمک رسانی تاکید میکنیم.

۱- بیش از ۳ نفر تجمع نکنید! برای ایجاد نهاد همیاری و شروع کار احتیاجی به جلسه و تجمع متعدد و آسیب پذیر نیست. بیش از

در سطح محلات و شهرهای ایران، نهادهای همیاری و مردمی با نامهای مختلف وسیعاً شکل گرفته است. هدف انسانی آنها مقابله کردن با خطرات ویروس کرونا و کمک رسانی به مردم است. طبیعی است که در دوران سخت انسانها به همدیگر احتیاج دارند. قابل پیش بینی بود، زنان و مردان انساندوست و دختران و پسران جوان و فداکار بیکار نخواهند نشست و علیرغم پیچیدگی و سختی کار در فاجعه کرونا مبتکرانه اقدامات انسانی و کمک رسانی را در سطح محله و شهر سازمان خواهند داد. در دوره ای که مخاطرات جدی ویروس کرونا بشریت را در سراسر دنیا تهدید میکند. در شرایطی که حکومتهای سرمایه به دلیل محاسبات سودپرستانه و اساساً سودورزی ذاتی نظم کاپیتالیستی، ناکارایی و ناتوانی خود را برای مقابله موثر با پیامدهای این ویروس و تبعات مخرب آن بر زندگی مردم، به نمایش گذاشته اند. در شرایطی که جمهوری اسلامی نه تنها ناتوان و ناکارا، و اشاعه دهنده ویروس کووید ۱۹، بلکه مسبب بزرگترین مرگ و میر و صدمه دیدگی در حال وقوع شهروندان در کل کشور است، در این شرایط قدر ذره ذره فعالیتهای نهادهای همیاری و کمک رسانی به مردم را باید دانست و به دست اندرکاران و

تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با رعایت استانداردهای

سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

رحمان حسین زاده

۶- با امکانات و شیوه استاندارد ضد عفونی کردن و سمپاشی محله را تضمین کنیم! اگر محلات شهر سمپاشی و ضد عفونی نشده، این واحدها با ارتباط با دستگاههای دولتی مربوطه و یا موسسات غیر دولتی خیرخواه و متخصص در اینکار برای ضد عفونی کردن عمومی کل محله با تکیه ابزار و آلات استاندارد اینکار لازمست اقدام کنند.

۷- مداوماً به مردم بگوییم، تجمع نکنید و در خانه ها بمانید! نهادهای همیاری با بازوبند [واحد همیاری محله ...] که جای اتکا و اعتماد مردمند، در سطح محله لازمست کشیک داشته باشند و در گروه حداکثر دو نفره بچرخند. با راهنمایی و توصیه های خود مانع تجمع و گردهمایی بیش از سه نفر بشوند و مداوماً مردم را تشویق کنند در خانه هایشان بمانند. بنا به ضرورت، تردد به محله و امورات دیگر را زیر نظر داشته باشند. از ورود و خروج نامطمئن و غیر بهداشتی به محله جلوگیری کنند.

۸- به طور ویژه به سالمندان باید کمک رساند! واحدهای همیاری به طور جدی لازمست به فکر کمک رسانی به بخشهای آسیب پذیرتر مثل سالمندان مرد و زن، به انسانهای مبتلا به بیماریهای

دولتی و غیر دولتی ذیربط، به فروشگاهها و صاحبان دارنده و تولید کننده این امکانات، یا با اقدام به جمع آوری کمک مالی در محله و خریدن آنها و روشهای دیگر لازمست اقدام کرد. واحدهای همیاری میتوانند، این وسایل و امکانات را به جلو درب هر خانواده منتقل کنند و بدون ارتباط مستقیم به آنها اطلاع دهند، تا از آن استفاده کنند.

۵- معیشت خانوادگی بی بضاعت را تامین کنید! واحدهای همیاری لازمست، لیست خانواده های فقیری که به لحاظ معیشتی همیشه تحت فشار بوده و به ویژه در این دوره با خطر گرسنگی روبرویند، تهیه کنند و معیشت آنها را با اتکا به کمک و تعاون خود مردم محله تامین کنند. به آن بخش از مردم محله که دستشان به دهنشان میرسد و امکاناتی دارند و بگوییم این تعداد خانواده محتاج و گرسنه را داریم، تردیدی نیست، آنقدر انسانیت دارند، که با مواد خوراکی تا پول کمک کنند و نگذارند کسی از گرسنگی بمیرد. برای تامین معیشت آنها به صاحبان ثروت و سرمایه در شهر میشود مراجعه کرد و آنها را در موقعیتی قرار داد به این خانواده های بی بضاعت کمک کنند. باید تلاش کنیم در محله و شهر ما کسی از گرسنگی و بی امکاناتی از بین نرود.

یادداشت و تراکت کوتاه و هر ابتکار دیگری به مردم معرفی کنید. شماره تلفن و کانالهای ارتباطی واحدهای همیاری را در اختیار خانواده ها و مردم محله و شهر باید گذاشت. تا بتوانند ارتباط بگیرند، مسائل و مشکلات و کمبودها و نیازهای خود را طرح کنند. متقابلاً واحدها از این طرق و ابتکارات دیگر اطلاع رسانی کنند، توصیه ها و رهنمودها و اقدامات لازم برای پیشگیری را با مردم در میان بگذارند. متوجه هستیم که از کانال رادیو و تلویزیون و دیگر امکانات مدیایی اطلاع رسانی میشود، اما کم نیستند خانواده های فقیر و بی بضاعتی که فاقد وسایل ارتباط جمعی حداقلی اند، لازمست از این طریق تحت پوشش اطلاع رسانی و مهمتر آموزش رعایت استانداردهای سلامتی قرار بگیرند. مهمتر خانواده های محتاج و بی بضاعت نیازهای خود را اطلاع دهند تا برای کمک به آنها اقدام مناسب صورت بگیرد.

۴- مبتکرانه وسایل حفاظتی اولیه مردم را تهیه کنید: یک وظیفه مهم این واحدها تامین ماسک، دستکش، مواد ضد عفونی و دیگر وسایل ضروری حفاظتی برای خانواده ها، به ویژه خانواده های محروم است. برای تهیه این امکانات، ابتکارات مختلف را باید بکار گرفت. از جمله مراجعه به موسسات

تاکید جدی بر اقدامات مهم همیاری، منطبق با رعایت استانداردهای

سلامتی!

سخنی با نهادهای همیاری مردمی

رحمان حسین زاده

دیگر و معتادان و کودکان کار و بخشا بی سرپرست بود و با اتکا به کمک مردم به یاریشان رفت!

۹- صندوق کمک مالی را در مرحله میشود سازمان داد! تشکیل صندوق کمک مالی در محله از جمله اقدامات قابل فکر و اجرایی کردن است. اما موضوعی حساس و زیر نظر کسان و یا واحدهای تماما مطمئن و مورد اعتماد مردم لازمست تشکیل شود. خیلی ها در محله دستشان به دهنشان میرسد و میتوانند به چنین صندوقی کمک کنند. در این مورد میشود به افراد صاحب امکان مالی و سرمایه دار در محله و شهر مراجعه کرد و آنها را قانع کرد و در موقعیتی قرار داد که به چنین صندوقی کمک کنند. امکانات مالی جمع شده را برای مقابله با اثرات نگران کننده ویروس کرونا و دیگر نیازمندیها در مرحله هزینه کرد.

۱۰- از پرستاران و پزشکان و کارکنان بیمارستانها و مراکز خدماتی اورژانسی باید عمیقا قدردانی کرد! نهادهای همیاری لازمست به شیوه مناسب جایگاه زحمات و فداکاری بی نظیر پرستاران و پزشکان و کارکنان بیمارستانها، بخشهای خدماتی اورژانسی را که در این شرایط سخت کار میکنند، به جامعه یادآوری و با ابتکارات مختلف از زحماتشان قدردانی کنند.

اینها استانداردها و اقداماتی است که در دستور کار نهادهای همیاری محله و شهر میتواند قرار بگیرد. تردیدی نیست، فعالین و جوانان دست اندرکار با توانایی و دقت بالا میتوانند دستور کار روشن و دقیقتری را پیگیری کنند. در جریان فعالیت، تجارب غنی را کسب کنند. مهم اینست از محله ای شروع کنیم و الگوی موفق بدست دهیم. چنین تجربه انسانی بسرعت در دیگر محلات تکثیر میشود. واحدهای همیاری محلات مختلف بدون ارتباط گیری فیزیکی باهم، طبعاً با اتکا به تلفن و شبکه های ارتباطی موجود لازمست و میتوانند در ارتباط باهم قرار بگیرند و شبکه به هم متصل واحدهای همیاری شهری را رسمیت دهند. میتوان تصور کرد حرکت همیاری انسانی بزرگ در سطح هر شهر شکل بگیرد و تجاربش به دیگر شهرها منتقل شود.

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفیتی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

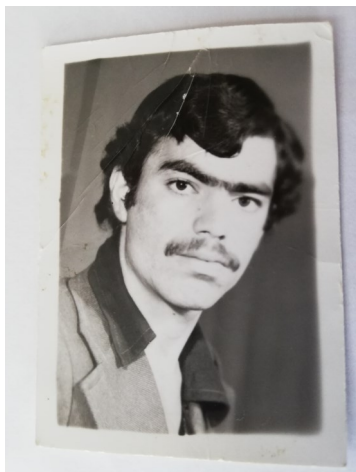
نه شاه میخوایم ، نه ملا ، فقط تشکیل شورا!

۳۹ سال گذشت!

در گرامیداشت رزمنده کمونیست، رفیق

عزیزم رحیم صادقی

رحمان حسین زاده



یکشوه واقع در ده کیلومتری شهر بوکان متولد شد. دوره کودکی ونوجوانی تا پایان پنجم ابتدایی را در همان روستا پشت سرگذاشت. ادامه تحصیل را در سه ساله راهنمایی و سپس دبیرستان تا گرفتن دیپلم را در شهر بوکان به پایان برد. دوره کودکی و نوجوانی و جوانی رحیم و من و تعداد دیگری از هم سن و سالها در زندگی عادی و دوره تحصیل و سپس پیوستن به فعالیت سیاسی چپ گرایانه و بعد از قیام ۵۷ پیوستن به سازمان کومه له به نحو عمیق و صمیمانه ای به هم گره خورد. به لحاظ سنی نزدیک به یکسال از او بزرگتر بودم، اما این تفاوت سنی، هیچ فاصله ای بین ما ایجاد نکرد. دوره کودکی و نوجوانی را در همان کوچه، پس کوچه ها با سرگرمیهای ویژه آن دوران سنی و بعدا در مدرسه تازه تاسیس شده در وسط روستا به سال ۱۳۴۵ رفیقانه و با علاقه و محبت با هم پشت سرگذاشتیم. برای ادامه تحصیل به شهر بوکان رفتیم. در سال تحصیلی ۵۲ - ۵۳ شمسی وقتی که او دوم راهنمایی و من سوم بودم، منزل مشترک اجاره کردیم. یکسال را زیر یک سقف به عنوان دو رفیق عمیقا صمیمی، بی اغراق

صفحه ۱۵

است. در همان دوره اولیه دستگیری و بعد تر معلوم بود، رحیم جسورانه مقاومت کرده است. چون تعداد زیادی از فعالین تشکیلات مخفی که در شهرهای بوکان و حومه که در مقاطع مختلف با او فعالیت مشترک داشتند، کوچکترین صدمه ای از جانب او ندیدند. کوچکترین اطلاعاتی را از امکانات و همزمانش به جمهوری اسلامی نداد. بعد از چند سال بی اطلاعی مطلق از سرنوشت او، حدس اولیه به یقین تبدیل شد، که رحیم فداکار به منظور سرایت نکردن ضربه پلیسی به همکاران تشکیلاتی و اطرافیان و حتی بستگانش اسم واقعی خود را نیز به همراه رازهای ناگفته مهم دیگر به شکنجه گران جمهوری اسلامی نگفته است و سربلند ایستاده است. سالهای زیاد کورسوی امید پیدا شدن اثری از رحیم عزیز، خانواده و بستگان و ما رفقاییش را در انتظار نگه داشت و سکوت اختیار کردیم. امروز و با تاخیر بسیار فراوان سکوت را باید شکست. یاد این کمونیست رزمنده را که در جوانی و در سن ۲۲ سالگی به دام جمهوری اسلامی افتاد و در راه اهداف و آرمانش، در راه رهایی طبقه کارگر و کمونیسم جانباخت، عمیقا گرامی بداریم!

رحیم صادقی کی بود؟

رحیم صادقی در سال ۱۳۳۸ در روستای

این سطور را با تاخیر فراوان در مورد انقلابی پرشورو استوار، انسانی محبوب و فداکار، رحیم صادقی مینویسم. این بهار پر دلهره و نابخشودنی کرونا زده ، با ۳۹ سالگی دستگیری و سپس سر به نیست شدن این رزمنده کمونیست، فعال تشکیلات مخفی کومه له در زندانهای جمهوری اسلامی مصادف است. وظیفه تشکیلاتی او نامه رسانی (پیک) بین کمیته مرکزی کومه له مستقر در مناطق آزاد حومه بوکان با تشکیلات مخفی کومه له در تبریز بود. در اواسط خرداد سال ۱۳۶۰ با محموله ای از نامه و نشریات کومه له در منزلی متعلق به تشکیلات مخفی شهر تبریز با نام تشکیلاتی "محسن" دستگیر شد. پدر داغ دیده (کاک محمد) سراسر آن سال و چند سال بعد به جانین مسئول زندانهای تبریز، ارومیه، مراغه، تهران، اصفهان مراجعه کرد و جمهوری اسلامی اثری با نام رحیم صادقی از میان زندانیان اعدام شده و یا زنده مانده ارائه نکرد. به هر جا مراجعه شد، چنین اسمی ردیابی نشد. نهایتا بعد از مدتی پدر و بستگان از یکی از همقطاران روزهای مبارزه اش شنیدند، که رحیم با شناسنامه و اسم و شهرت دیگری دستگیر شده و حدس اینست، اسم اصلی خود را به شکنجه گران جمهوری اسلامی نگفته

نه شاه میخوایم ، نه ملا ، فقط تشکیل شورا!

۳۹ سال گذشت!

در گرامیداشت رزمنده کمونیست، رفیق عزیزم رحیم صادقی

رحمان حسین زاده

فرصت کوتاه یکماهه از میان دختران و پسران جوان روستا و بخشا انسانهای میانسال حدود ۵۰ عضو گرفت و فعالیتهای سیاسی و تبلیغی و همیاریهای اجتماعی را در دستور گذاشت. دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و حقوق زنان، و فراخوان به مبارزه علیه ارتجاع تازه به قدرت رسیده از مهمترین کارها بود. این اولین تجربه کار متشکل علنی رحیم و ما همزمانش بود. وقتی از فعالیتهای این نهاد صحبت میشود، باید از دورفیق دیگر جانباخته آن کانون یاد کنیم. رفقا رسول فیضی و طوبی فیضی، عموزاده هم که هر دوه بخش علنی و مسلح کومه له پیوستند و "پیشمرگه" شدند و در نبرد نظامی با سرکوبگران جمهوری اسلامی جان باختند. یاد عزیزشان گرامی باد. یاد نامه آنها در همان مقطع که جانباختند، نوشته و منتشر شده است.

یورش جمهوری اسلامی در مرداد ۵۸ پایان فعالیت جمعیت بوکان و نهادهای مختلف دمکراتیک و توده ای در آن دوره بود. بعد از جنگ سه ماهه اول رحیم صادقی فعالیت خود را در بخش مخفی و شهری تشکیلات کومه له ادامه داد. خیلی زود، به فعال مورد اعتماد و قابل اتکا تبدیل شد. همانطور که اشاره شد، وظیفه حساس پیک بین کمیته مرکزی و تشکیلات مخفی کومه له در تبریز را به عهده گرفت. رفیق ناصر طاهری که در آن دوره خود جزو تشکیلات مخفی کومه له در تبریز بود، ملاقات و دیدارهای صفحه ۱۶

خود گذاشت. تبلیغ و تشویق به مبارزه علیه نظام سلطنتی به شکل علنی تر و گسترده تر به قول آن دوره در میان زحمتکشان و جوانان در دستور کار قرار گرفت. تظاهراتهای بزرگ در تبریز و تهران و بقیه شهرهای بزرگ اعتمادبنفس بالاتر و امید و خوش بینی به سرنگون کردن رژیم سلطنتی را به شدت تقویت کرد. چند ماه بعد تظاهراتها به سراسر کشور و همه شهرها کشانده شد. در نتیجه شرکت در تظاهراتهای شهرهای بوکان و سقز به بخش ثابت فعالیت مبارزاتی رحیم و جمع مبارزاتی تبدیل شد. آن دوران پرشور مبارزاتی در عین حال مدرسه واقعی تجربه گیری و پخته شدن رحیم و ما نسل جوان هم دوره اش بود. بعد از سرنگونی رژیم شاه و پیدایش فضای آزاد سیاسی در شهرهای کردستان، جمعیتهایی با اسم و مضمون [دفاع از آزادی و انقلاب و حقوق مردم کردستان]، در شهرهای کردستان شکل گرفت. رحیم و جمع مبارزاتی ما رابطه سمپاتیک و هدفمندی را با جمعیت شهر بوکان و از این کانال مستقیماً با زنده یاد "دکتر جعفر شفیعی" پیدا کرد. طبق توصیه دکتر جعفر و با تکیه به تجربه "کوری رنجبران تکان تپه"، (یکی از روستاهای بزرگ همجوار)، در روستای یکشوه "کوری زه حمه تکیشان" یعنی "کانون زحمتکشان" را تاسیس کردیم. رحیم صادقی یکی از فعالین اصلی موسس این نهاد بود. این نهاد در

بدون یکبار حتی تلخ رویی با بازیگوشی ها و جذابیت های دوران تحصیل و نوجوانی، با هم سپری کردیم. منزلمان به کانون گرم و دوستانه هم سن و سالها و همکلاسی ها تبدیل شده بود. در همان دوره با توصیه های یک رفیق مشترکمان به مطالعه سیاسی چپ گرایانه با نقطه عزیمت مبارزه علیه استثمار و نابرابری و ستم و علیه سرمایه داری و رژیم سلطنتی جهت پیدا کردیم. رحیم و ما رفقای نزدیکش با رنج و زحمت کارگران و مردم زحمتکش و محروم در شهر و روستاهای پیرامون عجین و آشنا بودیم و طبعاً این مبنای اجتماعی قوی در جهت گیری طبقاتی و گرایش به سوسیالیسم را در ما و در چهارچوب درک موجود آن دوره چپ ایجاد کرده بود. درسها و خاطره های شنیدنی و بیاد ماندنی جذاب و زنده ای از رحیم با شخصیت از آن دوره تا قبل از انقلاب ۵۷ بیاد هست، اینجا فرصت بازگویی آن نیست و امیدوارم در جمع یاران و دوستان و همقطاران مبارزاتی آن دوره فرصتی ایجاد شود، یاد او را با گرامیداشت یادواره های با ارزشش گرامی بداریم.

عروج جنبش انقلابی سال ۱۳۵۷ نقطه عطف بزرگی برای نسل جوان تشنه آزادی آن دوره بود. روحیه سرکش مبارزاتی را در رحیم و ما هم نسلهای او به شدت تقویت کرد. به تاثیر از این اوضاع محفل مبارزاتی ما هم روش مبارزاتی جدیدتر و هدفمند تری را پیش پای

نه شاه میخوایم ، نه ملا ، فقط تشکیل شورا!

۳۹ سال گذشت!

در گرامیداشت رزمنده کمونیست، رفیق عزیزم رحیم صادقی

رحمان حسین زاده

وینه ی شیواوم که بزانی نه مردوم و ماوم. تقدیم به دوست عزیزم رحمان حسین زاده - سایه از رحیم صادقی یکشوه- ۳- ۱۱ - ۵۴ " ترجمه: "بگذار نزدت بماند عکس به هم ریخته ام، که بدانی نمردم و زنده ام" رحیم جان، رفیق عزیزم! تو زنده ای، زنده در یادها، درسها، خاطره ها. زنده در اهداف و تعهد مشترک مبارزاتیمن. و در آن کوتاه مدت عمر چه استوارانه و افتخارآمیزه آن تعهدات پایبند ماندی و با سربلند جانت را فدایش کردی. تو زنده ای چون فداکاری شما و هزاران کمونیست رزمنده دیگر الگوی من و مشوق من در پافشاری بر تعهد و اهدافمان است.

جمهوری جنایتکار جمهوری اسلامی بسیار زود شما را از ما گرفت. اما کور خواند، تداوم تپشهای مبارزاتی این چهاردهه می رود به طوفان جارو کننده جمهوری اسلامی و کاپیتالیسم تبدیل شود. می رود اهداف مشترکمان، همان حقایقی که همیشه از آن صحبت میکردیم، یعنی واقعیت پایه گذاشتن نظمی به دور از استثمار و تبعیض و ستم، و تضمین کننده آزادی، برابری، رفاه و سعادت انسانها متحقق شود. این شایسته ترین گرامیداشت و قدردانی از شما و هزاران کمونیست و آزادیخواه جانباخته در این مسیر است.

یاد عزیز رحیم صادقی و هزاران مبارز راه آزادی و کمونیسم گرامی باد!

به درود رفیق عزیزم! به درود!

پر خاطره خود با رحیم و رفقای دیگری چون رفیق جانباخته صلاح علیزاده و نادر نقره را در منزل متعلق به تشکیلات تبریز بیاد میاورد. این همان منزلی است که متاسفانه تعدادی از اعضای تشکیلات مخفی کومه له از جمله انقلابیون برجسته ای چون هوشنگ توحیدی، اسماعیل یگانه دوست، امجد مصطفی سلطانی و ... در خرداد ماه ۶۰ آنجا دستگیر و سپس اعدام شدند. رحیم صادقی بعد از دستگیری آنها جزو آخرین نفراتی بود که در اواسط خرداد پا به این منزل لو رفته میگذارد و همانجا دستگیر میشود. او که از ضربه خوردن تشکیلات اطلاع نداشت، به روال جاافتاده قبلی با محموله متنوعی از نامه های تشکیلاتی و نشریات کومه له از بوکان به تبریز سفر میکند و به محض پا گذاشتن به محوطه آن منزل از جانب ماموران کمین کرده در آنجا دستگیر و مستقیماً روانه زندان جمهوری اسلامی شد. این رویداد تلخ وقتی تلختر است، از آن لحظه دستگیری تا کنون دیگر اثری از رحیم به دست نیامد. معلوم است رحیم نیز همانند دیگر همزمان دستگیر شده اش در همان دوره به جوخه اعدام سپرده شد و چه بسا زیر شکنجه های وحشیانه جانباخت. رحیم صادقی با اهداف و تعهداتش صادق ماند. با قامت بلند ایستاد، دشمن جبون را زبون کرد و لب رازدارش را ننگشود. او نیز همانند بسیاری از رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم در صفحه درخشان قهرمانیها نام خود را به ثبت رساند.

یادداشت رحیم عزیز که در پشت عکس یادگاریش به زبان کردی برایم نوشته مناسب دارد که پایان بخش این یادنامه باشد. " با له لات بیت

بر خورداری از محیط کار و زیست ایمن و سالم حق پایه

ای شهروندان است!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرکز خبری حزب حکمتیست - شورش در زندانها

زندانیان باید فوراً و بدون تعلل آزاد شوند!

بنا به اخبار منتشر شده و دریافتی، اوضاع وخیم زندانها و نگرانی از ابتلای دستجمعی زندانیان به ویروس کرونا موجب اعتراضات وسیع و نهایتاً شورش در زندانهای کشور شده است. تاکنون دستکم در چهار زندان از جمله زندانهای پارسیلون خرم آباد و الیگودرز همدان در هفته گذشته، زندان مرکزی تبریز دیروز پنجشنبه هفتم فروردین و زندان مرکزی سقز امروز جمعه هشتم فروردین، زندانیان دست به شورش زدند، تلاش کردند از زندان فرار کنند، با سرکوب خونین ماموران امنیتی و گارد زندان روبرو شده اند، تعدادی زخمی و با گلوله به قتل رسیدند و در مواردی تعدادی از زندانیان موفق به فرار از زندان شده اند. لازم به ذکر است که بنا به اخبار تأیید شده تاکنون دستکم شش نفر در زندانهای ایران به دلیل ابتلا به کرونا جانباخته اند. بدون تردید این آمار بسیار بیشتر است.

این شورش ها نشان میدهد که خطر مرگ بطور جدی زندانیان را تهدید میکند. زمانی که مرگ در یکقدمی است، زندانی هر نوع ملاحظه جان و گلوله خوردن را کنار میگذارد و به آخرین تلاش برای زنده ماندن یعنی فرار دست میزند. جمهوری اسلامی هنوز تعداد زیادی از زندانیان سیاسی، دستگیری های آبانماه و بخش زیادی از مجرمین عادی که وعده آزادی موقت آنها را داده بودند، در زندانها نگاهداشته است. این اقدام جمهوری اسلامی ارتکاب آگاهانه به قتل عمد زندانیان است. این اجرای اعدام به شیوه دیگری است. رها کردن زندانی در بندهای شلوغ و بی امکانات با بیماری کرونا، معادل فرستادن دستجمعی آنها به میدان تیر و کوره های آدم سوزی است. دنیا باید بداند جمهوری اسلامی آگاهانه و عامدانه مرتکب یک جنایت جمعی علیه زندانیان میشود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خانواده ها و بستگان زندانیان، فعالین سیاسی و اجتماعی و آزادیخواهان را به تلاش و اعتراض گسترده از طرق ممکن و متناسب با اوضاع کنونی در حمایت از زندانیان فرامیخواند. جان زندانیان در خطر جدی قرار دارد. علیه حکومت جنایت پیشه جمهوری اسلامی و سیاست کشتار جمعی زندانیان اعتراض کنیم. زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان بیدرنگ باید آزاد شوند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۸ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۷ مارس ۲۰۲۰

کمیته کردستان حزب حکمتیست - مردم آزادیخواه سقز و مهاباد

از زندانیان فراری حمایت کنید!

زندانیان برای نجات جان خود از خطر بیماری کرونا شورش و از زندان فرار کرده اند. شکستن زندانها بعنوان مراکز قدرت رژیم اسلامی اتفاق مهمی است. این یک شاخص استیصال کامل نظام اسلامی است. به هر طریقی که میتوانید با تمام توان به این زندانیان کمک کنید. نگذارید جمهوری اسلامی زندانیان فراری را دستگیر و مجدداً زندانی کند. زندانیان حق دارند فرار کنند، حق دارند سالم بمانند، از زندانیان فراری حمایت کنید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ فروردین ۱۳۹۹

مرکز خبری حزب حکمتیست - شورش در زندان عادل آباد شیراز

به زندانیان فراری کمک کنید!

شورش در زندانهای ایران هر روز وسیعتر میشود. عصر امروز یکشنبه ۱۰ فروردین زندانیان در زندان عادل آباد شیراز دست به شورش زدند. شنبه شب ۹ فروردین، زندانیان زندان الوند در همدان دست به شورش زدند. روز جمعه ۸ فروردین زندانیان زندان مرکزی سقز شورش کردند و دهها نفر موفق به فرار شدند. روز پنجشنبه ۷ فروردین زندان مرکزی تبریز شاهد شورش زندانیان بود. اول فروردین زندانیان زندان الیگودرز در لرستان دست به شورش زدند. در همین روز زندانیان در زندان فشافویه تهران دست به شورش زدند و درب زندان را شکستند. روز ۲۹ اسفند زندانیان زندان پارسیلون خرم آباد شورش کردند. طی این شورش ها دهها نفر از زندانیان موفق به فرار شدند، تعدادی به قتل رسیدند و تعدادی زخمی شدند. بدنبال این شورش ها در زندانهای کشور از جمله در قزلحصار کرج گارد زندان دست به ارباب زندانیان زد و زندانبانان در حالت آماده باش هستند.

مردم آزادیخواه!

این شورش ها علیه مرگ در زندان و برسر نجات جان است. زندانی حق دارد زنده بماند، حق دارد سالم بماند، حق دارد فرار کند، حق دارد علیه سیاست قتل دستجمعی کرونائی جمهوری جنایتکار اسلامی بایستد و شورش کند. از زندانیان فراری حمایت کنید. به هر طریق مقدور دست رژیم را از سر آنان کوتاه کنید. برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان تلاش کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ فروردین ۱۳۹۹ - ۲۹ مارس ۲۰۲۰

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر

سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل

می شود!

منصور حکمت

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید!

منصور حکمت

ملت ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

زنده باد آزادی، برابری، رفاه



زنده باد کادر آزادی
به کادر آزادی پیوندید

ادرس تماس با رهبری کادر آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231

Partou TV

تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که دو هفته یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : اسماعیل ویسی

Esmail.waisi@gmail.com

زنده باد تشکیل شوراها!